

مبانی علمی انرژی درمانی^۱

جیمز ال آش من^۲

یا مقدم

کنراد پرت^۳

مترجمان:

دکتر محمد تقی حلی ساز

علیرضا شمس الدینی

نشر حکیم هیدجی / ۱۳۹۱

1- Energy Medicine, The Scientific Basis

2- Janes L. Oschman

3- Camdace Pert

سرشناسه	: اوشمن، جیمز
عنوان و نام پدیدآور	: L. Oschman, James
موضوع	: مبانی علمی انرژی درمانی / جیمز ال اوشمن : با مقدمه کندیس پرت ۱ مترجمان محمدتقی حلی سار، علیرضا شمس الدینی.
مشخصات نشر	: تهران: حکیم هیدچی، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۳۳۶ ص.: مصور و نمودار.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۷۷-۸۳-۰ ریل: ۱۴۵۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
پاداشت	: عنوان اصلی: Energy Medicine. Scientific Basis, 2000
پاداشت دیگر	: واژه نامه.
موضوع	: انرژی پزشکی.
موضوع	: انرژی درمانی.
موضوع	: جسم و جان درمانی
موضوع	: پزشکی کلی نگر
شناسه افزوده	: حلی سار، محمدتقی، ۱۳۴۱ - مترجم
شناسه افزوده	: شمس الدینی، علیرضا، ۱۳۵۹ - مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۳۱۸.۸۱۸ / RZ۹۹۹
رده بندی دیویی	: ۶۱۵.۸۹
شماره کاتالوگ	: ۷۷۲۸۹۹۴
ملی	

شرکت هیجی

مبانی علمی انرژی درمانی

مترجمین:	محمدتقی حلی سار - علیرضا شمس الدینی
ناشر:	حکیم هیدچی
نوبت چاپ:	اول / ۱۳۹۱
تیراژ:	۱۰۰۰ نسخه
ناظر چاپ:	مستسن بهرامی
چاپ و صفای:	۱۱۴ جوان
قیمت:	۱۴۵۰۰۰ ریل

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۷۷-۸۳-۰

آدرس: تهران، میدان انقلاب ابتدای خیابان جمالزاده جنوبی کوچه دانشور ساختمان ۶ طبقه پنجم واحد ۵

تلفن: ۶۶۵۶۱۶۵۷۲ تلفکس: ۶۶۵۶۱۶۵۵۶

۲۵	فصل اول
۲۵	سابقه تاریخی
۲۵	زمینه های انرژی در پزشکی
۲۹	تناقض احساسی
۲۹	اعتقاد به نیروی مکانیکی (مکانیزم) در مقابل اعتقاد به اصالت حیات (وایتالیزم)
۳۰	برق نگاری اولیه
۳۳	فصل دوم
۳۳	اندازه گیری میدان های حیات
۳۴	برق قلب
۳۵	مغناطیس ناشی از برق
۳۶	مغناطیس قلب
۳۷	پیروزی کوانتومی
۳۸	مغناطیس سنج اسکوئید
۴۰	کاردیوگرافی مغناطیسی
۴۱	الکتریسته و مغناطیس مغز
۴۳	میدان های ضعیف و قوی
۴۵	تأثیر فعالیت بر امواج مغز
۴۷	فرضیه
۴۸	میدان های زیست مغناطیسی و حواس
۵۱	فصل سوم
۵۱	مدار بندی بدن
۵۲	الکتریسته و الکترونیک
۵۴	ساختار سلولی و ماتریس زنده آن
۵۷	سلول کیه ای شکل نیست
۵۸	پیوستار
۶۱	جریان اطلاعات

۶۳	پویایی ماتریس: ارسال علائم و حرکت سلولی
۶۵	بیوشیمی مواد جامد
۶۶	آرایه‌های بلوری در سلول‌ها و بافت‌ها
۶۸	کنترل ساختار بدن
۷۰	خصوصیات ماتریس زنده
۷۰	مدارها و نصف النهارها
۷۳	فصل چهارم
۷۳	زمینه زنده؛ پنج دیدگاه
۷۳	البرت زنت کیورگی: القاء الکتریکی
۷۶	رابرت او بکر:
۷۶	سیستم کنترل از راه دور عصبی
۷۷	هربرت فرولش: هم بستگی زیست شناختی
۷۸	دونالد اینگبر
۸۴	کی جی پیتا و دی اس کافی
۸۷	فصل پنجم
۸۷	طب سوزنی و سایر روش‌های درمانی مربوط به آن
۸۷	جریان انرژی
۸۷	ماناکا و سیستم نشانه ایکس
۸۹	ارتباط با طب سوزنی
۹۰	فرضیه
۹۳	فصل ششم
۹۳	قطبیت، لمس درمانی، درمان مغناطیسی و روش‌های مرتبط
۹۴	کاربرد برقی و مغناطیس در پزشکی
۹۷	مغناطیس و درمان بافت‌های نرم
۹۸	میدان‌هایی که از دست‌های انسان صادر می‌شوند
۱۰۴	پرتوهای مادون قرمز
۱۰۶	چند نتیجه‌گیری
۱۰۹	فصل هفتم

نگاه به فرکانس های خاص	۱۰۹
مقدمه	۱۰۹
تعریف "انرژی شفابخش"	۱۱۲
فرکانس های دیگری که در این مسئله نقش دارند	۱۱۳
ساز و کار ها	۱۱۴
پیشگیری	۱۱۷
حافظه جسمانی	۱۱۸
اشارات	۱۱۸
ریتم های زیستی و ترمیم زخمها	۱۱۹
طرح اولیه	۱۲۰
منابع سیگنالهای فرکانس های بسیار کم	۱۲۲
روی هم افتادن	۱۲۶
ضربان ساز مغز	۱۲۶
روی هم افتادن ریتم های زیستی: اختلاف نظر بیشتر	۱۲۷
میدان های ژئومغناطیسی و ژئوالکتریکی	۱۲۸
شواهد هماهنگ سازی توسط میدان های بیرونی	۱۳۱
ساز و کار هماهنگ سازی (هم طنین شدن)	۱۳۵
فصل هشتم	۱۳۹
درمان با هم طنین سازی	۱۳۹
مقدمه	۱۳۹
محرک های آسیب زا	۱۴۵
نظریه میکروژنتیک در درمان های حرکتی و درمان های کار روی بدن	۱۵۰
زمان میکروژنتیک	۱۵۵
فصل نهم	۱۵۷
طب ارتعاشی	۱۵۷
مقدمه	۱۵۷
بیوفیزیک ارتعاش	۱۵۹

۱۵۹	جنبش مولکول‌ها
۱۶۰	فرکانس‌های طبیعی، جفت شدن، طنین
۱۶۱	مولکول‌ها و انرژی
۱۶۵	طیف‌شناسی
۱۶۶	ارتباطات ارتعاشی بین مولکول‌ها
۱۶۷	بازرهای رنده
۱۶۸	همبستگی
۱۷۲	نوسانات سلولی و قواعد منظم
۱۷۹	فصل دهم
۱۷۹	هومئوپاتی و درمان‌های ارتعاشی مربوط به آن
۱۷۹	دلیل منطقی برای درمان‌های ارتعاشی
۱۸۱	طیف‌شناسی پزشکی و سیستم آب
۱۸۳	تحقیقاتی در مورد واکنش‌های مربوط به انرژی
۱۸۹	برخی از نتایج
۱۹۱	فصل یازدهم
۱۹۱	جاذبه، ساختار، عواطف
۱۹۱	مقدمه
۱۹۶	نظام جاذبه
۲۰۴	کشش‌پذیری در مقیاس سلولی
۲۰۵	شکل‌پذیری
۲۰۹	جاذبه و ساختار فیزیکی و عاطفی
۲۱۳	فصل دوازدهم
۲۱۳	انجام ساختاری (رولفینگ)، استئوپاتی، کایروپراکتیک، فلدن کرائیس، الکساندر، رهایی‌نیامی - عضلاتی و سایر روش‌های مشابه
۲۱۳	مقدمه
۲۱۶	صاف کردن مفاصل
۲۱۹	حالت ارتجاعی و جریان انرژی
۲۲۲	دفع سم

فهرست مطالب

۲۲۴	مکانیزم
۲۲۵	نتیجه گیری
۲۲۷	فصل سیزده
۲۲۷	محیط الکترومغناطیسی
۲۲۷	مقدمه
۲۲۹	حل مسأله
۲۳۰	کاربردهای بالینی
۲۳۲	سازوکارها
۲۳۴	زیست - حسگرها
۲۳۵	حواس دیگر
۲۳۷	طیف طبیعی الکترومغناطیسی انرژی
۲۳۷	تغییرات ژنومغناطیسی
۲۴۲	جویات VLF
۲۴۳	سایر منابع خارج زمینی
۲۴۳	استرس ژنوباتی
۲۴۴	طیف انرژی و فن آوری
۲۴۷	نتیجه گیری ها
۲۴۹	فصل چهارده
۲۴۹	محیط الکترومغناطیسی: اثرات زیست شناختی
۲۴۹	مقدمه
۲۵۲	حساسیت به آب و هوا
۲۵۲	آلرژی ها
۲۵۴	تنظیمات "توب بیلارد"ی در مقابل پیغام دهی الکترومغناطیسی
۲۵۷	میراث یوشیمی لوکرتیوس
۲۵۸	آسیب شناسی حاد
۲۶۰	آلودگی الکترومغناطیسی و سایر بیماری ها
۲۶۴	امواج مدرج

۲۶۹	 امواج مدرج و عملکرد
۲۷۱	 اشاراتی برای ساختار عملکرد جسمی
۲۷۵	 نتیجه گیری
۲۷۹	فصل پانزده
۲۷۹	 نتیجه گیری ها: آیا انرژی درمانی پزشکی ما آینده است؟
۲۷۹	 عدم باور
۲۸۲	 تشعشعات دستان درمانگران
۲۸۵	 تقویت سازی
۲۸۸	 دستگاه عصبی دو گانه
۲۹۵	 اثر هال و تنظیمات زیست مغناطیسی
۲۹۷	 دوگانگی دستگاه های گردش خون، اسکلتی، عضلانی و سایر دستگاه ها
۲۹۸	 کارکردهای دستگاه "دور" در بازسازی و ترمیم
۲۹۹	 بازسازی
۳۰۰	 به هم پیوستگی جامع سیستم های دفاعی
۳۰۶	 ارتباط طنین ها با حالت های عاطفی
۳۰۹	 بیوفیزیک پیوستگی درونی
۳۱۳	فصل شانزده
۳۱۳	 دایره های انرژی نمایش جریان انرژی در گروه ها
۳۱۸	 پی نوشت
۳۱۸	 شفافیت و اجماع از درهم پیچیدگی اختلاف نظر و سردرگمی بیرون می آید

درآمد

سال‌ها قبل از اینکه با آقای دکتر آشنایی پیدا کنم، در خصوص توانایی ایشان در بکارگیری شیوه‌های مختلف انرژی درمانی مطالب زیادی شنیده بودم. او یک دانشمند واقعی، یک فیزیولوژیست و زیست شناس سلولی با اعتبار درخشان بود. در واقع وی کسی بود که با به پای رولفرز^۱ متخصص طب سوزنی و دیگر اعضای یک گروه تحقیقاتی برای تصویب و تأثیر ماهیت علمی انرژی درمانی تلاش می‌کرد. هدف دکتر آشن من توصیف، اثبات و آموزش آموخته‌های خود بود. البته با شیوه‌ایی کاملاً متقاعدکننده که مخالفان همیشگی و قدیمی را وادار به شنیدن ساخته و وارد گفتگو کند. هم‌اینک او موفق شده است که متن دقیقی را ارائه دهد. فرضیه وی در این نوشته نه تنها با علم فیزیک نوین و الکترونیک هماهنگی دارد، بلکه با قواعد الکترودینامیکس و فیزیولوژیکی نیز سازگار است. فرضیه او چنان متقن و استوار است که برای اثبات خود هیچ نیازی به استمداد از انرژی‌های مبهم و نیروهای اسرارآمیزی که فاقد ماهیت علمی هستند، ندارد. من خود سال‌ها در خصوص قدرت درمانی شیوه‌ایی که در بهترین شکل به عنوان روش‌های غیر دینی و بدترین شکل به عنوان روش‌های شیطانی تلقی می‌شدند پرداختم. من خودم این شیوه‌ها را تجربه کرده بودم و علیرغم وجود مقاومت شدید در پذیرش آنها و همچنین عدم تطابق آنها با شیوه‌های درمانی معارف و مرسوم به اثرگذاری این شیوه‌های درمانی پی برده بودم، اما متأسفانه با توجه به الگوهای بیولوژیکی موجود در آن زمان قادر به توصیف چگونگی اثر درمانی آنها نبودم. احساس حرکت انرژی به عنوان یک مشخصه مشترک در بسیاری از این شیوه‌های درمانی شناخته شده است و من همواره این احساس را از اولین محل تماس سوزن با بدنم تجربه کرده بودم. احساسی که از ۲۵ سال قبل از ملاقات اخیرم با دکتر آشن در انجمن ماساژ درمانی آمریکا^۲ (AMTA) با من همراه بوده است.

1- Rolfers

2- American massage therapy association

این ملاقات باعث طراحی آزمایش‌های علمی‌ای در جهت نمایش اثربخشی و ساز و کار عملی ماساژ درمانی شد. در طی این ملاقات که در کارولینای جنوبی صورت گرفت، دکتر اشمن اقدام به "کشیدن" انرژی از کبد من کرد. قبل از آنکه دکتر جی برای من توضیحی بدهد، حرکت قابل توجهی را احساس کردم. با این وجود من از لحاظ علمی هنوز در ابهام به سر می‌بردم و نمی‌توانستم نتیجه را پیش‌بینی کنم. مورد دیگر به سال‌ها قبل مربوط می‌شد که من شش یا هفت نقطه از پاهای پسر جوانم را بر اساس الگوهای بازتاب‌شناسی دست‌کاری کردم و او که هیچ آشنایی با این الگوها نداشت با سرعت و دقت شش یا هفت نقطه از بدنش را که در آن حرکت انرژی را احساس کرده بود، شناسایی کرد. این نوع آزمایش‌های موردی بر روی خود و خانواده‌ام مرا متقاعد کرد که باید انرژی‌های درمانگر را جدی بگیرم و آنرا مورد مطالعه دقیق قرار بدهم و نباید صرفاً به این دلیل که بر اساس الگوهای موجود نظریه‌ای برای توضیح آنها در دست نیست، آنها را مورد بی‌اعتنایی و انکار قرار دهم.

تحقیقات دکتر اشمن درباره وجود حس مشترک برای دست‌اندرکاران متعدد انرژی درمانی بسیار جالب و هیجان‌انگیز بود. این حس مشترک احساس حرکت انرژی در اندام بود که دکتر اشمن در این تحقیقات از آنجا توصیفی ساده، روشن و دقیق ارائه داده بود. امروزه بسیاری از فیزیوتراپ‌ها و روان‌درمانگران مفاهیم دو قلوئی نئوفرویدی و نئوریچین را به عنوان یک حقیقت در نظر می‌گیرند. این مفاهیم بیانگر آن است که آسیب‌ها (تروما) و ضربات وارده به انسان در بدن وی جذب و ذخیره می‌شوند. این ضربات و آسیب‌ها که منشا بسیاری از بیماری‌ها هستند، می‌توانند به وسیله جریانات صحیح انرژی، آزاد شوند. از مدت‌ها قبل دریافته بودم که اثربخشی انرژی درمانی در درمان دردهای عضلانی به مراتب کارآمدتر از افزایش گردش خون در محل ضایعه می‌باشد. تعریف ما از شبکه روانی تنی^۱ این است که این شبکه عملکرد خاطرات و حافظه در قسمت خود آگاه ذهن را مجسم

می‌کند. این خاطرات در ضمیر ناخودآگاه باعث ایجاد تغییراتی در سطح ملکولی گیرنده‌ها می‌شوند و نوعی تبدیل تغییرات شیمیایی به جریان‌ات یونی به وجود می‌آورند که باعث انتشار امواج الکترومغناطیسی درون این شبکه می‌شود این امر باعث پیوند سیستم عصبی، سلول‌های دفاعی، دستگاه گوارشی، غدد، پوست و غیره می‌گردد.

دکتر اشمن تم

امی سوابق مکاتب مختلف را که به نوعی دیدگاه وی را نسبت به بدن آدمی تأیید می‌کرد با دقت دنبال کرد. وی بدن آدمی را مانند مجموعه‌ای از جنس کریستال مایع می‌داند که تحت فشار قرار گیرد توانایی ارتعاش در فرکانس‌های مشخصی را دارد که بعضی از آنها در محدوده فرکانس نور مرئی می‌باشند. من تشویق شدم تا بر پایه این تحول شگرف و برای رسیدن به نظریه‌ای نوین در درک دقیق ماهیت احساسات در سطح انرژی قلم بردارم. من با این تأکید که احساسات تهییج شده همانند پل ارتباطی بین تن و روان عمل می‌کنند، به این مسئله پی بردم که می‌توان تمامی حفره ارتباط درونی انسان و ارتباط معنوی بیرونی انسان، حیوانات و طبیعت را مهار نمود.

در اینجا ذکر این نکته بسیار قابل توجه خواهد بود که به کشف پاره‌ای شواهد تجربی اشاره کنیم که بر وجود الگوهای انرژی‌های بیرونی که از دست‌های درمانگر خارج می‌شود تأکید کنیم. این دقیقاً همان شیوه‌ای بود که دکتر اشمن در کارونیای جنوبی آن را معرفی کرد. به دنبال این شواهد هم اینک ما می‌توانیم تلاشی جدید برای درک و اندازه‌گیری نیروهای اثرگذار روی جانداران به ظاهر مجزا اما از لحاظ عاطفی واحد آغاز کنیم و نهایتاً به این واقعیت برسیم که منشأ همه این نیروهای حسی یکسان هستند و باعث شکل‌گیری فعل و انفعالات در موجودات می‌شوند. این فعل و انفعالات بیشتر شبیه حرکت مولکول‌ها در محلول می‌باشد.

اکنون تصور سطوح مختلف حسی که هر کدام با ویژگی‌هایی خاص و ریشه گرفته از غدد به صورت هسته انرژی در بدنه مغز جریان می‌یابند، کار دشواری

نخواهد بود. این جریانات ارتعاشی توانایی درمان اختلالات ناشی از انسداد، بیماری یا عدم یکپارچگی اجزاء مختلف بدن را دارند. من نیز از مدل قفل و کلید که رابطه میان گیرنده و غدد را تعریف می کند پا فراتر نهاده ام و نظریه گیرنده های ارتعاشی و غدد را مطرح کردم که به جذب ارتعاشات با فرکانس های یکسان در فواصل معین معتقد است.

دیدگاه جدید دکتر آشمن در خصوص بدن انسان مرا قادر ساخت تا کم کم بفهمم که عواطف مختلف انسانی چگونه شکل می گیرند. این تعریف از عواطف انسانی چنین است که با تحریک غدد پتیدی و با ایجاد تغییرات ناگهانی و حتی ایجاد تغییر در کیفیت و همچنین ایجاد تحول در آگاهی همراه با تغییر رفتار و وضعیت بدن، می تواند اشکال مختلفی از عواطف را در انسان پدید آورد. شاید اکنون می توانیم بفهمیم که با مرتب کردن فیزیکی فواصل مهره ها که دسته های عصبی در آن جای گرفته اند، چگونه می توان درمان های مبتنی بر بیان عاطفی و احساسی داخل بدن و دست ها را (در شرایطی که درمانگران ادعا می کنند تغییرات انرژی را ملاحظه کرده اند) با کمک انرژی مناسب و بکارگیری ساز و کارهای انرژی درمانی انجام داد.

انتشار این کتاب نقطه عطفی است در تاریخ پزشکی که اذهان و قلب ها را با نظریه ها و رویکردهای تجربی جدیدی در راستای درک مدل های درمانی ای که پیش از این چیزی جز اسرار تلقی نمی شدند، آشنا خواهد ساخت. در این کتاب دیدگاه هایی مثالی در خصوص بدن انسان ارائه خواهیم داد که پاسخگوی تغییر شکل دینامیکی شخصیت های مختلف خواهد بود. این کتاب نه تنها در سطح لایه های مختلف، بلکه در سطح تغییرات چشمگیر و عمیق نیز قادر خواهد بود وضعیت درمانی ثابتی را در حالت های مختلف ذهن و بدن به وجود آورد.

پس مبارک باد این حرکت درمانی شایسته

کندیس بی پرت

پیشگفتار

این کتاب دربارهٔ موضوعی بسیار بحث‌انگیز است که دانشمندان مدت‌ها آنرا متناقض و ابهام‌انگیز تلقی می‌کردند. دانشمندان در گذشته ورود به حوزهٔ مفاهیمی همچون انرژی شفابخش و نیروی حیات را ممنوع می‌خواندند. تمام شیوه‌های درمانی که به نوعی با استفاده از انرژی‌های شفابخش صورت می‌گرفت در هاله‌ای از شک و تردید قرار داشت. نتیجهٔ چنین پیش‌زمینه‌ای این بود که تعداد کثیری حتی حاضر به خواندن کتابی در این رابطه نبودند.

با وجود چنین پیش‌زمینهٔ فکری منفی‌ای، چرا و چگونه یک دانشمند صاحب فکر و مشهور شهرت ورود به این حوزهٔ ممنوعه را به خود می‌دهد؟ افرادی که تمایل به مطالعه در این زمینه را دارند خواهند فهمید که برای این امر دلایل قانع‌کننده‌ای وجود دارد. یافته‌های علمی و درمان به طور شگفت‌آوری در حال تغییر هستند. در سراسر جهان دانشمندان و افرادی که به صورت تجربی در زمینهٔ انرژی درمانی به مهارتی رسیده‌اند، به یافته‌هایی دست پیدا کرده‌اند که درک ما را از مقوله انرژی انسانی کاملاً متحول ساخته است. اما بیشتر این یافته‌ها به عنوان یک موفقیت مهم و نقطه عطف محسوب نشده‌اند. اینکه به نظر می‌رسد که این یافته‌های علمی و تجربی به ظاهر نامتجانس همگرا شده و در یک جهت حرکت می‌کنند. گویی همگی علیرغم تفاوت‌های ظاهری و اینکه روزی با هم رقابت و حتی مخالفت داشتند به یک واقعیت خواهند رسید. و هم اکنون تحقیقات امیدبخش جدیدی اعم از تحقیقات آکادمیک و کلینیکی در حال انجام هستند که به نظر می‌رسد نتیجهٔ آن تأیید نتایج این تحقیقات در مراحل عملی باشد.

این کتاب بنا به درخواست دکتر لئون چای^۱ تو^۱ هیأت تحریریه مجله کار بدنی و حرکت درمانی^۲ که چرچیل لیونگستون^۳ زیر نظر مؤسسه هارکوت^۴ به چاپ

1- Leon chaitow

2- Bodywork and movement therapies

3- Churchill livingstone

4- Harcourt

می‌رساند، نوشته شده است. از من خواسته شد که به منظور رفع ابهام در مورد موضوع انرژی آنگونه که هم در علم و هم در فعالیتهای بدنی مختلف و درمان‌های حرکتی و هم در پزشکی مرسوم برای مثال پرتونگاری مغناطیسی (ام‌آر‌آی) کاربرد دارد، شروع به کار کنم. پرسش این بود که آیا انرژی مفهومی است که می‌تواند در مقوله‌های پذیرفته شده علمی و عقلانی انتقادگر مطرح شود؟ من قبلاً در حدود ۱۵ سال درباره این موضوع تحقیق کرده بودم. درخواست دکتر چای‌تو به من فرصت داد تا بتوانم قطعه‌های بیشتری از این پازل طلسم شده را پیدا کنم. زمانی که در مراحل نگارش مقاله برای این مجله بودم وجود شباهت‌هایی بین یافته‌های محققان پزشکی و مشاهدات درمانگرهای سنتی که با استفاده از انرژی درمانی لمسی به طور تجربی به درمان افراد می‌پرداختند، توجه مرا به خود جلب کرد. این شیوه‌های بسیار متفاوت از لحاظ بیادی همدیگر را تأیید می‌کردند.

در فصل ۶ خواهیم خواند که میدان‌های مغناطیسی نوسانی در مراکز مختلف پزشکی مورد بررسی قرار می‌گیرند تا اثرات شتاببخشی آنها در درمان بیماری‌های مربوط به استخوان، عصب، پوست، عروق و صدمات رباطی به اثبات برسد. در عمل میدان‌های انرژی همانندی در اطراف دست‌های درمانگر مجرب مشاهده خواهد شد و این نتیجه‌گیرناپذیر خواهد بود که:

محققان پزشکی در حال ابداع وسایلی می‌باشند که توانایی تولید میدان مغناطیسی ضربان‌دار با فرکانس‌های مشخصی را دارند و قادر به تحریک بافت‌های مختلف می‌باشد که در نهایت این تحریکات منجر به بهبودی بافت خواهند شد.

درمانگرهای مکاتب مختلف طب انرژی قادر به تولید میدان‌های مغناطیسی و فرکانس‌های مشابه هستند. این نوع انرژی از دستان درمانگر خارج می‌شود. محققان اثبات کردند که این شیوه‌های مختلف در عین حالی که همگی به تنهایی مفید و سودمند هستند از طرف دیگر همدیگر را تأیید و تصدیق می‌کنند. این بدین معناست که محققان پزشکی و درمانگران تجربی به طور علمی همدیگر را تصدیق می‌کنند. این نوع انرژی‌ها همگی با عنوان عمومی میدان‌های مغناطیسی ضربان‌دار

خوانده می‌شود و زمانی که از دست‌های درمانگر بیرون می‌آید میدان مغناطیسی نامیده می‌شود.

به علاوه دکتر چای تو از من درخواست کرد که در مورد میزان تأثیر گذاری مفاهیم تعریف شده بر روی کار امداد با تجربه شاغلین در کلینیک‌ها توضیح بدهم. ارج نهادن به تحقیقات طب انرژی متداول، دانشجویان و شاغلین این رشته‌های درمانی را قادر می‌سازد که به زمینه مشترک برای بحث و گفتگو برسند. درمان‌های تکمیلی همدیگر را کامل می‌کنند. پدیده‌ای که سابقاً غیر مربوط به نظر می‌رسید، می‌توانست به عنوان مکمل در نظر گرفته شود. و در آن زمان هر شیوه منفردی به طور مجزا منجر به رسیدن بهم بهتری از مفهوم حیات شد.

از دکتر چای تو برای چنین بصری که منجر به طی چنین مراحل سودمندی شد سپاسگزارم. این کتاب برای من فرصتی بود که بتوانم به طرح جزئیات موضوع پردازم، جزئیاتی که به علت فضای محدود مجله قادر به طرح آنها در مقاله نبودم. همچنین یافته‌هایی که بعد از نوشتن مقاله در ژورنال حاصل شده است در این کتاب آورده‌ام. در این کتاب من به بسط سرفصل‌های مهمی پرداختم که در مقالات ژورنال فقط اشاره‌ای گذرا به آنها کرده بودم. که اطلاعات حاصله در خصوص فیزیک انرژی و نقش انرژی در هوشیاری از این جمله هستند. و در نهایت این کتاب امکان طرح میزان با ارزشی از اطلاعات تکنیکی و همچنین نقل قول‌هایی از دیگران که مناسب چاپ در ژورنال نبودند را به من داد خوانندگان این کتاب در صورت تمایل می‌توانند این اطلاعات را پیگیری کنند در اینجا به دو موضوع تکنیک‌های مختلف انرژی درمانی که به مرحله عمل رسیده‌اند و همچنین بسط و توسعه آن دسته از تحقیقات که اثربخشی کلینیکی این شیوه‌ها را تأیید می‌کنند، اشاره‌ای گذرا شده است. و چنانچه خواننده‌ای علاقمند به پیگیری این سرفصل‌ها باشد می‌تواند به یکی از مکاتب مناسب که تکنیک‌های کلینیکی را تعلیم می‌دهند و یا به آثار چاپ شده کلینیکی مراجعه کند. تلاش من در جهت استفاده از

آخرین تحقیقات علمی برای پاسخگویی به این پرسش است که آیا اصلاً انرژی درمانی می‌تواند مؤثر باشد و چگونه؟

درک و فهم مکانیسم آن بسیار مهم است. چرا که درمانگرهای تجربی چنانچه یک فهم و برداشت منطقی از چگونگی عملکرد متد خود داشتند می‌توانستند بسیار مؤثرتر عمل کنند و مهمتر اینکه توافق بر علم عملکرد مکانیسم‌ها به طور قابل ملاحظه‌ای برای درمانگرها مفید بوده است. به این دلیل که این دانش به آنها امکان می‌دهد علاوه بر توانایی در توضیح روند درمانی قادر به بهبودی عملکرد خودش می‌باشد.

من بعد از دیدن روند درمانی حاصل از کار درمانگرها از انرژی بدن خویش آگاه می‌شوم.

به هر حال در نظر من هیچ یک از متدها نسبت به متدهای دیگر ارجحیت ندارد. من سخنرانی‌های زیادی تحت عنوان *من و حرکت درمانی* از دیدگاه مکاتب مختلف در سراسر جهان انجام دادم. اما این موضوع به این معنا نیست که من هوادار یکی از این مکاتب باشم. در اینجا به هیچ عنوان هدف پیشبرد و یا تبلیغ یک متد خاص نیست. هدف اصلی فهم مکانیسم عملکرد آنها و پیدا کردن رابطه بین این پدیده و علم پزشکی است اگر در بین ما زبان مشترکی وجود داشته باشد می‌توانیم چیزهای زیادی از هم بگیریم.

من از نمایندگان کلینیک‌های مختلف که برای توضیح و توصیف دیدگاه‌ها و مشاهدات خود زحمت کشیدند متشکرم. افرادی چون پیتز میلجر^۱ که با بیان جزئیاتی از تحقیقات علمی مطرح و مهم من را در نوشتن مقالات در این ژورنال یاری کردند، تحقیقاتی مانند آنچه دکتر هارود ساکستون^۲ بور^۲ انجام داد کسی که من هیچگاه در طی تحصیلات آکادمیک خود، وی را از نزدیک ملاقات نکردم.

1- Peter Melchoir

2- D. R. Harold Sexton Burr

مقدمه

این کتاب به دو مقوله خواهد پرداخت. مقوله اول به ظهور شاخه‌ای جدید و شگرف از پزشکی آکادمیک مربوط می‌شود. در ورای این شاخه از علم پزشکی موضوع شگفت‌انگیز دیگری نیز مطرح است و آن اینکه چرا چنین موضوع شگرفی تاکنون در پرده ابهام بوده و نظریه‌های متناقضی درباره آن ارائه شده است. مقوله دوم در واقع پاسخ به این تناقضات و ابهامات آکادمیک شدید و گسترده و تنگ نظری‌های وسیع در رابطه با مقوله انرژی است در حالی که این شاخه از پزشکی روش‌هایی را ارائه داده است که ظاهراً برای مردم بسیار مفید بوده است.

بسیاری از درمانگرانی که هر روز به طور موفقیت‌آمیزی با سیستم انرژی انسان کار می‌کنند، نسبت به علوی که بر مبنای منطق و استدلال روش‌های پزشکی متعارف را مطرح می‌سازند، احساس بیگانگی می‌کنند. بعضی از تجربیات برجسته و مهم این درمانگران ظاهراً تحلیل‌های رایج علمی را به چالش می‌کشند. اما اگر دقیق‌تر به مقوله انرژی درمانی نگاه کنیم، خواهیم دید که این ابهامات و تناقضات بیهوده از میان خواهند رفت.

دانشمندان در دهه‌های اخیر توانسته‌اند ارتباط‌هایی درانر از رابطه دقیق و قابل اندازه‌گیری و منطقی میان زمینه‌های زیستی انرژی و آگاهی‌های علمی پذیرفته شده، پیدا کنند. روش‌های مختلفی برای اندازه‌گیری انرژی مهم اما پراهمیت داخل و اطراف بدن ارائه شده است. در چند دهه قبل وجود چنین میدان‌های انرژی‌ای در بدن انسان در پزشکی آکادمیک رد می‌شد. اما در این کتاب ما نه تنها مستندات وجود چنین انرژی را ارائه خواهیم کرد، بلکه نشان خواهیم داد که این حوزه‌ها چگونه ایجاد می‌شوند و بیماری‌ها و اختلالات چگونه باعث تغییر آن می‌شوند. همچنین تلاش خواهیم کرد تا ساز و کارهای بیوفیزیکی این پدیده را بشناسانیم تا درمانگران آگاه بتوانند این حوزه‌های انرژی را درک کرده و آن را در راستای درمان بیماران تنظیم نمایند.

با پرداختن به موضوع انرژی درمانی ما اساساً یک شکاف بزرگ را در زمینه زیست‌شناسی پر می‌کنیم. کشفیات جدید در این رابطه از اصول و قاعده خاصی پیروی نمی‌کنند و روش خاصی را دنبال نمی‌کنند. به جای آن، اصول اساسی ویژه‌ای در حوزه‌های مختلف ایجاد می‌شود. روی هم رفته، چه بخواهیم یا نخواهیم، هر رویکردی در رابطه با بدن به نحوی با مسئله انرژی درگیر است. بررسی بی‌طرفانه علوم انرژی^۱ ظرفیت بالقوه درمان بیماری‌ها و اختلالات حاد را در بردارد که با روش‌های بالینی‌ای که مفهوم انرژی را کنار گذاشته‌اند، قابل درمان نیستند.

همه می‌دانیم که بدن موجود زنده به نحوی طراحی شده است که می‌تواند خود را با نیروهای مختلف تطبیق داده و آنها را به نفع خود بکار ببندد. این نکته نیز پوشیده نیست که روش‌های درمانی مستلزم در نظر گرفتن عملکرد بدن را در ارتباط با عوامل مختلف است. آنها یک "نیروی حیات"^۲ یا "انرژی شفابخش"^۳ وجود ندارد، بلکه سیستم‌های مختلفی در بدن وجود دارند که شکل‌های مختلف انرژی و اطلاعات مربوط به آن را در موقعیت‌های مختلف هدایت می‌کنند. روش‌های مختلف انرژی درمانی بر جنبه‌های مختلف این مجموعه متنوع تأکید می‌ورزند و هر کدام از آنها مجموعه رهنمودهای راهنمایی را ارائه می‌دهند که نشان می‌دهد سیستم‌ها انرژی بدن انسان به چه نحو فعالیت می‌کنند. سیستم‌های فیزیولوژیک و آناتومیک بدن انسان با سیستم‌های انرژی در هم آمیخته‌اند. اگر درمانگر کارآمدی روی یکی از این سیستم‌ها کار کند، ناگزیر روی مجموعه سیستم‌ها اثر خواهد گذاشت.

بنابراین، علم انرژی موضوعی غنی و چند رشته‌ای است. دنبال کردن جریان انرژی در بدن برای تمام حوزه‌های آناتومیک، از تعامل ژئوفیزیکی و درون سیستمی (در سطح زیست محیطی) گرفته تا فیزیولوژی بدن، رفتار، اندام‌ها،

1- Energetics

2- Life force

3- Healing energy

بافت‌ها، سلول‌ها، ملکول‌ها، اتم‌ها و حتی ذرات زیر اتمی، آموزنده خواهد بود. علم انرژی نه تنها راجع به ذرات بسیار ریز موجود زنده آموزنده است، بلکه در این علم ویژگی‌های مهمی را که از تعامل میان این ذرات به وجود می‌آید نیز در برمی‌گیرد. یکی از این مؤلفه‌ها "تمامیت" نام دارد که به یکپارچگی نیروهای بدن اطلاق می‌شود و اجزاء بدن را چنان هدایت می‌کند که به صورت واحدی یکپارچه همراه یکدیگر عملکرد موفقی داشته باشند.

این کتاب تصویری است فوری از صحنه‌ای که در یک آن دوربین روی آن متمرکز می‌شود تقریباً هر روز در رابطه با موضوع این کتاب کشفیات جدیدی گزارش می‌شوند. در این فرایند، مشاهدات و تجربیات زیادی صورت می‌گیرند که پیشتر غیر قابل توصیف بودند و امروزه رمزگشایی شده‌اند. اطلاعات مربوط به این حوزه آنچنان به سرعت ارائه می‌شوند که برای یک نفر جمع‌آوری و پیگیری آنها بسیار پر دردسر است. در نتیجه بعضی اطلاعات مربوط به این حوزه در این کتاب نگنجدند و علت آن همان است که در بالا گفته شد.

کشفیات مربوط به علم انرژی هم اکنون به تدریج در حیطه درمانگران و محققین طب معارف وارد شده است. با اصلاح دانش ما راجع به زیست‌شناسی انرژی اصلاح سیستم‌های زنده انرژی راحت‌تر خواهد شد و بهتر خواهیم توانست توضیح دهیم که برای بیمار کتجکاو و علاقمند و مشتاق (به دانستن رمز و راز انرژی) چه اتفاقی در حال وقوع است. اینکه متخصصین مراقبت بهداشتی و عموم مردم دریافته‌اند که درمان تکمیلی و انرژی درمانی همچنان پایدار خواهد بود و مشاهده اینکه این روش‌ها توانسته‌اند به بیمارانی که از سایر روش‌های درمانی ارتدکسی مأیوس شده‌اند، کمک نمایند، برای ما انگیزه‌ای قوی برای ادامه کار ایجاد کرده است.

در زمانی که این کتاب در حال انتشار بود، تعداد زیادی از درمانگران مقاله‌های بسیار ارزشمندی در مورد روش‌های تلفیق انرژی درمانی با روش‌های رایج در

درمانگاه‌ها و بیمارستان‌ها ارائه دادند. از میان این آثار می‌توان به کار خانم جولی موتز^۱ (۱۹۹۸) و همکار پزشکی او و مهمت اوز^۲ (۱۹۹۸) اشاره نمود. افراد دیگری هم کتاب‌های متعددی تألیف کرده و در آن شرح تجربیات خود را از انرژی درمانی بیان کرده‌اند.^۳ من به این تجربیات اشاره کردم، چرا که عقیده دارم این تجربیات، علیرغم اینکه گاهی خیلی خارق‌العاده به نظر می‌رسند، می‌توانند در آینده اساس تحقیقات مربوط به زیست‌شناسی انرژی را تشکیل دهند. همانطور که گوگولین^۴ (۱۹۷۴) اظهار داشته است: "هر دانشمندی می‌داند که در تاریخ ایده‌های جادویی همیشه از علم پیشی گرفته است و بصیرت مقدمه‌ای برای آگاهی از هر پدیده‌ای خواهد بود."

علوم انرژی جهتی آشکار را دنبال می‌کند. اکثر ما دست‌اندرکاران مسئله انرژی، فلسفه شخصی را ترجیح می‌دهیم و به نوعی پزشکی فکر می‌کنیم که بتواند بیماری و آسیب‌های عاطفی ما را، اگر نه زودتر از آنچه لازم است، هر چه سریعتر درمان کند. پدیده "بهبود خود به خودی"^۵ حکایتی آشکار از توان درونی ما در نجات خود از بسیاری شرایط بغرنج است. تجربیات بالینی نشان می‌دهند که بهبود فوری و بخود به خودی حتی در مورد مبتلایان به سرطان حاد و آسیب‌دیدگی‌های شدید امکان‌پذیر بوده و اتفاق افتاده است. این حقیقت بدان معنی است که مبارزه درونی با بیماری و فرایند بهبود در درون بدن پدیده‌ای بسیار قوی است.

البته "بهبود خود به خودی" پدیده‌ای نادر و غیرقابل پیش‌بینی است. اما موارد بسیار زیاد و مستندی وجود دارد که نشان می‌دهد بیماران در مرحله "نهایی" و مبتلایان به بیماری‌های "لاعلاج" به طور ناگهانی و خود به خود بهبود پیدا کرده‌اند. این وضعیت ما را وادار می‌سازد تا دست به تحقیق بزنیم تا ببینیم که قضیه از چه قرار است. بعضی از محققین بر این عقیده‌اند که بهبود خود به خودی به

1- Jolie motz

2- Mohmet OZ

3- Collinge, 1998; Egidio, 1997; Brennan. 1987

4- Gauguelin

5- Spontaneous remission

واسطه "خواست بیمار و بسیج تمام نیروهای دفاعی بدن علیه سرطان صورت می گیرد. در عین حال که پاسخ های قانع کننده معدودی به این سؤال داده شده است، اما این قضیه کاملاً روشن است که: "انرژی و دستگاه هر دو در بدن هستند، تنها کاری که باید انجام شود این است که ببینیم چگونه باید کلیدهای مربوطه را روشن کنیم تا جریان برقرار شود."^۱ من خود بارها شاهد بوده ام که درمانگران سیستم های متعارف و درمانگران تکمیلی چگونه "کلیدهای صحیح" را روشن کرده و یا از روش پزشکی در فرایند درمان استفاده کرده تا نشان دهند که بهبود خود به خود آنچنان که فکر می شود، چندان دور از دسترس نیست. تحقیقات مدرن که انرژی درمانگران آن را تکمیل کرده اند به ما می آموزد که در کجا باید دنبال جریان صحیح انرژی و کلیدهای روشنایی بگردیم.

درمان ترومای عاطفی و اعتیاد نیز به اندازه درمان خود به خودی شگفت انگیز است. این دو گروه نیز چنان رنج می برند که می توان آنها را در زمره بیمارانی قرار داد که از بیماری مزمن و یا جراحت جسمی رنج می برند. نجات دادن بیمار از درد و رنج عاطفی خود شایسته تقدیر است. (به فصل های ۸ و ۱۱ مراجعه شود). ابهام و تناقضاتی که انرژی درمانگران با آن روبرو هستند، نقش مهمی در بحران موجود در حوزه پزشکی ایفا کرده و باعث تفکیک دو حوزه به اصطلاح "درمان متعارف"^۲ و "درمان تکمیلی"^۳ شده است. در گذشته داستان های بسیار موفقیت آمیز مربوط به درمانگران تکمیلی (و از جمله شفابخشی دینی) معمولاً نادیده گرفته می شدند، چرا که از پشته های منطقی بی بهره بودند. خود درمانگران نیز تنها به ارائه توضیحات ناچیزی اکتفا می کردند. هم اکنون ما با بهره گیری از دست آوردهای علمی این حلقه مفقوده را یافته ایم و می توانیم تصویری دقیق از بدن انسان در حالت سلامت و بیماری ارائه دهیم.

1- Weil, 1995

2- Conventional therapy

3- Complementary therapy